

سلام دوستان،

با توجه به درخواستهای زیادی که در مورد ادامه کار سه کاف دریافت داشته‌ایم، تصمیم گرفتیم دوباره شروع کنیم.

خواهش میکنیم در انتشار هر چه وسیعتر سه کاف بخصوص به کسانی که به کامپیوتر و اینترنت دسترسی ندارند، همکار ما باشید.

۱- من ار چه عاشقم و رند و مست و نامه سیاه

هزار شکر که یاران شهر بیگانه‌اند

سلام دوستان. من استریت واکر هستم که تصمیم دارم از این به بعد با اسم "کارون جاوید" در خدمت شما باشم. نوشتن اولین سرمقاله دوره جدید سه کاف رو من عهده‌دار شدم. منی که همیشه مخالف سیاسی‌گویی در سرمقاله‌ها بوده‌ام. ولی از اونجایی که دوره جدید سکاف همزمان شده با شدیدترین دوره سانسور دولت ایران بر روی اینترنت، نشریات، کانالهای ماهواره‌ای و... احساس می‌کنم که رویه گذشته من اشتباه بوده و تصمیم دارم توی این مقاله کمی با شما هم‌وطنان درد دل کنم.... هرچند درد ما درد مشترک است و نیازی به درد دل و توضیح و تفسیر ندارد. شما خودتان همه چیز را می‌دانید.

حکومت جمهوری اسلامی در ایران شروع کرده به اجرای یک رشته سانسورهای بسیار شدید روی هر چیزی که می‌تواند مردم را آگاه و متحد کند. این شاید در وهله اول خطرناک و خفکان‌آور به نظر برسد ولی همانطور که می‌دانید اینترنت یک شبکه بدون مرکز است و ذاتاً درست شده برای غیر قابل کنترل بودن. سانسور اینترنت به ضرر دولت تمام خواهد شد چون استفاده از اینترنت را هم سیاسی خواهد کرد. در کشور ما همه چیز جرم است: انتخاب آزادانه لباس جرم است، غذا خوردن در بعضی روزها جرم است، حرف زدن جرم است، عشق‌بازی جرم است، تجمع جرم است، مخالف بودن جرم است، گوش کردن به موسیقی دلخواه جرم است، مشروب خوردن جرم است و از امروز سر زدن به سایتهای سیاسی و جنسی هم جرم است. اما جرمی که جمهوری اسلامی توان کشف و تعقیب آن را ندارد. جمهوری اسلامی با اینکار شروع کرده به اینکه قدم به قدم همه را با خودش دشمن و همه چیز را به اسلحه‌ای بر ضد خودش تبدیل کند. تا امروز مانتوی تنگ دختر تهرانی "نه" بزرگی بود به رژیم جمهوری اسلامی، روسری عقب رفته دختر همدانی، صورت اصلاح شده و مرتب پسر شیرازی، پارتی شبانه جوان آذربایجانی و مشروب خوردن جوان جنوبی و آوازهای عاشقانه کردی، همه و همه اسلحه‌ای بودند برضد جمهوری اسلامی، امروز جمهوری اسلامی با سانسور کردن اینترنت، هر کلیک روی سایت سکاف و هر سایت ممنوع دیگر را هم اسلحه‌ای کرده بر ضد خود. سایت سکاف ماهیانه چند میلیون مراجعه داشت و از امروز این یعنی ماهی چند میلیون "نه"

به آخوندها. " نه " ای که توسط افرادی گفته می‌شود که نه قابل دستگیری‌اند (مگر اینکه همه ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل کنند) و نه می‌توان جلو مراجعه‌اشان را گرفت. در شیلی تحت حکومت دیکتاتوری پینوشه سازمانهای مقاومت نشریاتی در حد یک کف دست منتشر می‌کردند که تیراژشان به بیست هزار می‌رسید. کسانی که این نشریات را منتشر می‌کردند یا می‌خواندند شکنجه و زندانی می‌شدند. حالا ما در عصر اینترنت سکاف را داریم که تنها جرم‌اش اعتقاد به آزادی جنسی افراد بالغی است که با هم توافق داشته باشند. این نشریه اولین نشریه ایرانی است که تیراژ میلیونی دارد و خوانندگان‌اش هم قابل تعقیب نیستند. هدف این نشریه ترویج آزادی است و بازگرداندن حق انتخاب سرنوشت به خود انسان. امید به روزی که در کشور ما آزادی برقرار و دست سیاست از زندگی شخصی مردم کوتاه باشد.

سکاف در کنار شماسست و تا روزی که بتواند، در کنار شما باقی خواهد ماند. می‌داند که دوستش دارید و دوستتان دارد.

کارون جاوید

۲- ایرج و نسرین

(از ترگل)

قصه از آنجا شروع شد که برای کارهای مربوط به شروع دانشگاه باید به شهر می‌رفتم. ۱۹ سالم بود، در شهر نه کسی را می‌شناختم و نه جایی داشتم. از آن بدتر تا آن روز تجربه‌ای هم از مسافرت به شهر نداشتم و به همین دلیل کمی مضطرب بودم، اما به روی خودم نمی‌آوردم که مبادا خانواده مخالف رفتنم شود و از آن مهمتر تصمیم داشتم روی پای خودم بایستم. مادرم گویا از احساسم بو برده بود یا اینکه؟؟؟ این بود که درباره نگرانی من با زن همسایه حرف زده بود. و تصمیم نهایی هم این شد که چند روزی در خانه ایرج برادر زن همسایه که از سالها پیش در شهر زندگی میکرد، بمانم تا بعدش جایی برای خودم ردیف کنم. از همان لحظه ورودم به خانه ایرج احساس راحتی میکردم، ایرج مرد مهربان و خوش برخوردی بود و خانمش نسرین، زنی شاد و خوش اخلاق بود. هر کدام در اداره‌ای کار میکردند و بچه‌ای هم نداشتند. کلید اضافی خانه را به من دادند که در رفت و آمدم به خانه راحت باشم، بخصوص که با یکی از دوستان همکلاسی که او هم در خانه یکی از اقوامش منزل گرفته بود، قرار داشتیم که با هم دنبال کارهایمان برویم. شب دوم اقامتم در خانه ایرج و نسرین بود که حوالی ساعت یک شب از خواب بیدار شدم و احساس تشنگی کردم. بلند شدم که برای خوردن آب به آشپزخانه بروم. رو نوک پا و با احتیاط راه میرفتم که نکند ایرج و خانمش بیدار شوند..... اما سر راه

یه صداهایی به گوشم خورد که تا اون شب نشنیده بودم؛ آه ه ه ه ه ، جوووووووون،
اه، اه، جون، جووون،.....؟؟؟؟؟؟!!!!

خیلی کنجکاو شدم که بینم این صدا از کجا می آید، پس گوشه‌هایم را تیز کردم؛ صدا از اتاق ایرج و نسرین بود؟؟؟؟!!!! دارن چیکار میکنن؟ یهو صدای ایرج اومد که:
آه ه ه ه ، جوووووون، کس خوشگل من، بکنمت.... "نسرین هم جواب میداد: " آخ جون چه کیری! قربونش برم الهی! ایرج تو رو خدا بکن توش، اونقدر بکن که بمیرم...."
ای خدا مرگم بده، این حرفا چیه که اینا دارن میزنن؟ همه شهریها اینطوری ان؟
من که تا آن شب با دنیای سکس آشنایی چندانی نداشتم. همش خرخونی کرده بودم که برم دانشگاه، بعدش هم کارهای خونه. فقط یکبار غروبی که داشتم از خونه خاله برمیگشتم، پسر همسایه منو تو کوچه تنها گیر آورود و پستونامو چلوند و دوید، همین همانجا تو سالن خونه، خشکم زده بود، ولی سعی میکردم تو ذهن خودم تصور کنم که ایرج و نسرین دارن چکار میکنن؟ حالت احتمالی آنها؟ لخت هستن؟ و.... اما خیلی ترسیدم و قلبم اومده بود تو گلوم. تصمیم گرفتم از خیر آب گذشته و به اتاقم برگردم اما یک حس مرموز و مطبوعی از جنس کنجکاوای همراه با شیطننت بر من غلبه کرد، بخصوص که بفهمی - نفهمی کمی هم حشری شده بودم.

با نوک پا و خیلی یواش خودم را به پشت در رساندم، نفسم را تو سینه حبس کردم و چشمم را به سوراخ کلید در چسبانده و شروع کردم به دید زدن داخل اتاق.
اتاق تاریک بود و نمی توانستم خوب بینم، فقط همچی میشد دید که ایرج و نسرین دارن یه سری حرکاتی انجام میدن که من تا اون موقع ندیده بودم. یه خارش عجیبی لای پاهام حس کردم، تنم بدجوری مور مور می شد. حس خیلی خوبی بود، اما خیلی هم می ترسیدم. برگشتم به اتاقم اما قبل از اینکه خوابم ببرد به خودم قول دادم که از جزئیات کارشان بیشتر سر در بیارم.

شبهای بعد به امید دیدن کارهای آنها بیدار میماندم، به بهانه آب خوردن راهی آشپزخانه می شدم و تو راهرو هی گوش میدادم. تا اینکه یک شب حوالی ساعت ۱۲.۵ شب بود. لامپهای خانه همه خاموش بودند و صدایی شنیده نمی شد. پا شدم و پاورچین پاورچین خودم را به راهرو رساندم. بله ، صدایی می آمد. ذوق زده شدم. با احتیاط به دراتاق نزدیک شده و چشمم را به سوراخ کلید چسباندم..... عجب مراسمی بپا کرده بودند..... تلویزیون تو اتاق خواب روشن بود و صحنه‌ها را براحتی میدیدم؛ ایرج یه فیلم تو ویدئو می گذاشت، نسرین رو تخت نشسته و به حالت نیمه خوابیده به بالش پشت سر تکیه داده بود و داشت خودشو می مالوند، یه شرت سیاه پاش بود اما کمرست نداشت. ایرج فیلم را گذاشت، دکمه شروع را زد و رفت بغل نسرین نشست. ایرج لخت بود و حتی شرت هم نداشت. کون گرد و قشنگی داشت .

خیلی دلم میخواست جای نسرین بودم، دیگه خیلی هوسی شده بودم، اصلا یادم رفت کجا هستم و چه می کنم. دوتا چشم داشتم دوتای دیگه هم قرض کردم و به همان

حالت خم شده زل زدم تو سوراخ کلید در.
تو فیلم یه زن و مرد داشتن همدیگه رو می مالیدن و ایرج و نسرين هم داشتن تقریباً همان حرکت آنها را انجام میدادن..... یهو نسرين با یه شعف خاصی گفت: "ببین ایرج، چقدر محکم میکنه، چه کیر شق و راستی داره" ایرج برگشت و گفت: "عزیزم، من امشب بدتر از این می‌کنمت تا دیگه نگي کير اين مرتيکه شقه، در آر، اون شرت مادر دوزت رو درآ تا اون کس خوشگل‌تو بکنم، جنده من!" حالا هم صحنه‌های بکن بکن فیلم را می‌دیدم و هم صحنه‌های کردن ایرج و نسرين را و اين يه حالی به من داده بود که ناخودآگاه دستم رو بردم لای پام و کس‌ام رو به مالش گرفتم. پستونام سفت شده بودن.
ایرج داشت نسرين را بشکل وحشیانه‌ای میکرد و آخ جون آخ جون گفتن هاشون قاطی هم می‌شد. ایرج میگفت: "بخور، کير بخور، مگه نگفتی کير ميخوای، اين هم کير، آخ جون که چه کس باحالی داری." و نسرين هم میگفت: "ایرج، قربونت برم الهی، قربون کيرت برم، بده، همشو بکن تو، بز، تا ته بز، پاره‌م کن." و ایرج هم هی اونو محکمتر میکرد.
داشتم خودم رو از رو شلوار میمالیدم اما حس کردم که دستم خیس خیس شده. دیگه نتونستم تحمل کنم، از شدت هوس داشتم آتیش می‌گرفتم.
همانجا شلوار و شرتم را تا زانو پائین کشیدم و انگشتمو کردم لا پام. اما چیزی نگذشته بود که آه جیغ مانند ایرج و نسرين بلند شد و یهو حس کردم که دارم پرواز می‌کنم، چه حس بی نظیری، جلو چشم سیاه شد. هم احساس خستگی میکردم و هم میترسیدم که ایرج و نسرين بخوان برن دستشویی.
نفسم رو به زور تو سینه حبس کردم و باکون نیمه برهنه، پاورچین پاورچین به اتاقم برگشتم.

۳- ویاگرا و ناتوانی جنسی

برگرفته از: مجله درد، چاپ تهران / شماره ۱۸

(سپهر)

نعوظ یا به زبان پزشکی **ERECTION** به معنی حجیم شدن و سفت شدن آلت تناسلی مردانه است که در آغاز یک رابطه جنسی و در اثر تحریک‌های مختلفی از قبیل تحریک‌های بینایی، روانی، جسمانی ایجاد میشود. دست‌یابی به نعوظ مناسب از مهمترین عوامل برقراری یک رابطه جنسی رضایت‌بخش است.

آلت تناسلی مردانه دارای فضاهای بالقوه‌ای است که در زبان علمی (سینوس‌های غاری) نامیده می‌شوند. تحریک‌های جنسی با واسطه‌ی آزاد شدن ترکیبی به نام نیتریک اوکساید (NO) سبب گشاد شدن رگ‌های خون و رسان خون به آلت تناسلی میشوند. این خون در فضاهای غاری محبوس میشود و علت حجیم و سفت شدن آلت تناسلی در جریان یک رابطه

جنسی همین احتباس و تجمع خون است.

مهمترین و شایع‌ترین اختلال‌های جنسی در مردان عبارتند از:

۱- انزال زودرس یعنی خروج زود هنگام منی در جریان نزدیکی جنسی.

۲- اختلال نعوظ یا (Erectic Dysfunction) ED که نام دیگر ناتوانی جنسی یا Impotence است.

اختلال نعوظ:

تعریف علمی اختلال نعوظ یا ناتوانی جنسی مردانه در نشست سال ۱۹۹۳ انستیتو ملی بهداشت آمریکا NIH به این ترتیب بیان شد:

(ناتوانی پایدار در آغاز یا نگهداری نعوظ مناسب برای انجام یک نزدیکی جنسی رضایت‌بخش). براساس این تعریف برآورد می‌شود که بیشتر از نیمی از مردان ۷۰ - ۴۰ ساله به درجاتی از این اختلال دچار هستند. ناتوانی جنسی به هیچ وجه ارتباطی با ناباوری یا کمبود تمایل به جنس مخالف یا لذت بردن از یک رابطه جنسی ندارد.

علت‌های ناتوانی جنسی در مردان:

تا سال‌های دهه ۵۰ میلادی پزشکان حدود ۹۰ درصد از موارد ناتوانی جنسی مردان را به علت‌های روانی نسبت می‌دادند. متخصصین امروزه معتقدند که بیشتر از ۵۰ درصد موارد اختلال نعوظ در مردان به دلیل عوامل ارگانیک است، به این معنی که یک عامل فیزیکی مشخص در ایجاد آن وجود دارد. این آمار شاید برخلاف تصور عامه مردم باشد. اگر مردم عادی بدانند که ناتوانی جنسی در خیلی از موارد علت مشخص و حتی قابل درمان، به احتمال زیاد بیشتر و زودتر به یک پزشک متخصص مراجعه میکنند و از خیلی از پیامدهای ناخوش‌آیند جلوگیری میشود. در ضمن ممکن است در بعضی شرایط علائمی شبیه ناتوانی‌های جنسی بروز کند. مقصود این است که تنها چند بار ایجاد این علائم و یا بروز گاه بگاه آنها به معنی ابتلا به ناتوانی جنسی نیست. در مورد تشخیص این امر باید به یک پزشک اورولوژیست مراجعه کرد.

ویاگرا:

شرکت داروسازی فایزر در اوایل دهه ۹۰ میلادی مشغول مطالعه برای یافتن دارویی بود که بتواند خون‌رسانی به عضله قلب را بهبود بخشد. همان طور که می‌دانید از مهمترین عوامل بروز سکته‌ی قلبی تنگ شدن عروق خون‌رساننده به قلب است. این شرکت دارویی بنام Sildenafil را پیشنهاد کرد. این دارو سبب آزاد شدن یک ماده‌ی گشادکننده شناخته شده‌ای بنام نیتریک اوکساید می‌شد و از نظر تئوری باید می‌توانست عروق قلب را گشاد کند، ولی، انجام مطالعات مختلف روی انسان نشان داد که تاثیر چندانی بر بهبود خون‌رسانی به قلب ندارد ولی افراد مورد مطالعه که از این دارو استفاده کرده بودند اثر دیگری در آن یافتند؛ این افراد که اکثراً مردانی میانسال بودند به طرز

محسوس‌ی احساس کردند که ناتوانی جنسی و اختلال نعوظ آنها بهبود یافته است. فایزر بلافاصله این دارو را به عنوان بهبود علایم ناتوانی جنسی بررسی کرد و البته نتیجه هیجان‌انگیز بود. سیلدنافیل در مارس ۱۹۹۸ با نام تجاری ویاگرا به معنی (راه حجیم شدن) به وسیله‌ی سازمان درور و غذا آمریکا (FDA) ثبت و تأیید شد. در مدت ۴ ماه تا ژانویه ۱۹۹۸ بیش از ۳ میلیون نسخه از این دارو به فروش رفت. همچنین نام دیگر ویاگرا، لمونیکا (Le Monika) یعنی (برای مونیکا) معشوقه مشهور بیل کلینتون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز می‌باشد. سازندگان با گذاشتن این نام روی این دارو خواستند کنایه‌ای به رسوائی کلینتون بزنند.

مکانیسم اثر:

ویاگرا در حقیقت نمک سیترات یک ترکیب شیمیایی بنام (سیلدنافیل) است، (سیترات سیلدنافیل) به صورت اختصاصی یک ترکیب شیمیایی به نام (فسفودی استراز ۵) یا PDE5 را مهار می‌کند. همزمان با یک تحریک جنسی، ماده‌ی نیتریک اوکساید یا NO در داخل سینوس‌های غاری آلت تناسلی آزاد می‌شود. سیلدنافیل با مهار PDE5 در نهایت سبب پایداری NO و تشدید اتساع عروق خونی و سینوس‌های غاری شده و به این ترتیب نعوظ مناسب ایجاد می‌شود.

نکته‌ی حایز اهمیت این است که داروی ویاگرا در غیاب تحریک جنسی هیچ تأثیری ندارد و فقط با آغاز تحریک جنسی سبب بهبود نعوظ می‌شود. نکته دیگر این که ترکیب PDE5 علاوه بر آلت تناسلی در نقاط دیگری از بدن هم با غلظت کمتر وجود دارد که بعضی عوارض جانبی داروی ویاگرا به همین دلیل است. این نکته در پلاکت‌های خون و عضلات صاف جدار عروق نیز وجود دارد و علایمی مانند پرخونی و احساس گرمی در صورت به دلیل اثر ویاگرا بر عضلات صاف جدار عروق خونی ایجاد می‌شود. در شبکیه‌ی چشم نیز ترکیب مشابهی به بنام PDE6 وجود دارد و اختلال در دید رنگی به دنبال مصرف داروی ویاگرا را به دلیل مهار این ترکیب می‌دانند. داروی ویاگرا فقط یک مورد تأیید شده‌ی مصرف دارد و آن درمان اختلال نعوظ تشخیص داده شده در مردان می‌باشد.

این دارو در زنان بی اثر است. بر اساس هشدار کارخانه‌ی سازنده تاکنون هیچ اطلاعات موثقی در مورد بی خطر بودن مصرف سیلدنافیل در گروه‌های زیر وجود ندارد و مصرف دارو در این موارد حتماً باید با احتیاط و باصلاح پزشک باشد:

۱- بیمارانی که در مدت ۶ ماه گذشته دچار سکته قلبی یا مغزی و یا یک اختلال ریتم جدی در قلب شده‌اند.

۲- بیماران مبتلا به فشار خون پائین (کمتر از ۹۰ روی ۵۰) و یا پرفشاری خون (بالاتر از ۱۷۰ بر روی ۱۱۰)

- ۳- بیماران مبتلا به نارسایی قلب و یا آنژین قلبی ناپایدار
 - ۴- بیماران مبتلا به اختلالات انعقادی یا زخم معده فعال
 - ۵- افراد مبتلا به یک بیماری چشمی بنام رتینیت پیگمنتوزا
 - ۶- افراد مبتلا به اختلالات آناتومیکی آلت تناسلی
 - ۷- بیماران کم خونی داسی شکل، لوسمی و مالتیپل میلوما
- سردرد، کوفتگی در صورت، ترش کردن، گرفتگی بینی و اختلال در دید رنگی از دیگر عوارض گذرا و نه چندان پایدار مصرف داروی ویاگرا هستند.

شیوه مصرف:

به صورت قرص‌های آبی رنگ ۲۵، ۵۰ و صد میلی گرم موجود است. دوز اولیه آن بویژه در موارد خفیف ۲۵ میلی گرم است ولی برای اغلب بیماران میزان ۵۰ میلی گرم تجویز میشود.

از ۴ ساعت تا نیم ساعت قبل از رابطه‌ی جنسی میتوان این دارو را مصرف کرد. شرایط زیر سبب افزایش این دارو در خون میشود و بهتر است در این شرایط از ۲۵ میلی گرم آن استفاده شود:

- ۱- سن بالاتر از ۶۵ سال
 - ۲- اختلال فعالیت کبد یا کلیه
 - ۳- مصرف همزمان داروهایی مانند اریترومايسين، کتوکونازول، وایتراکونازول.
- اثر قرص بعد از نیم ساعت ظاهر میشود و تا ۴ ساعت ادامه دارد! اگر بیش از چهار ساعت اصر آن طول کشید به پزشک مراجعه کنید. اگر آن را با معده پر بخورید اثرش دیرتر ظاهر میشود. این قرص نباید بیش از یکبار در روز مصرف شود. نعوذ بیش از حد طولانی مدت میتواند عوارض جبران ناپذیری داشته باشد.

۴- حرفهای خودمانی

آرش

سلام دوستان... احوال شما؟

اول اینکه سال نو مبارک، با اینکه دو ماه از آن گذشته، و دوم اینکه خوشحالم که سه کاف دوباره منتشر می شود و باز هم ادامه می یابد...

بگذارید اول در مورد این ستون کمی توضیح بدم.

این ستون طوری نیست که اختصاصاً به مسائل جنسی و امثال اینها بپردازد بلکه اگر روزی موضوعی در این رابطه داشتیم آن را مطرح می کنیم.

من همیشه عادت دارم که موقع حرف زدن مزه پرانی کنم و اگر در نوشته هایم

مطالب بی مزه دیدید به عقلم شک نکنید... این اخلاق من است!!

همه ما مشکلاتی در زندگی داریم، گاهی این مشکلات زودگذر و سطحی و بعضی اوقات طولانی، سخت و دردناکند ولی این را هم بدانید که همه مشکلات راه حلی دارند، پس نمی‌توان با یک مشکل خود را باخت و گفت: "اوه..... دیگه خسته شدم...." من می‌خواهم تجربه خودم را برایتان بگویم:

شما والنتاین (Valentine) کجا بودین؟ حتماً رفتین پارتی یا رفتین برای دوستتون یک کادوی باحال بگیرین و کلاً خوش بگذرونید ولی من بیچاره تو خونه نشسته بودم و داشتم توی دلم به برادرم فحش می‌دادم.

علتش هم این بود که این برادر قشنگ من که مثلاً چون دور بازویش دو سانتیمتر بزرگتر از بازوی من است، هیچوقت نمی‌گذاشت که من با دختری دوست بشوم. مثلاً وقتی چت می‌کردم همیشه بعد از نیم ساعت که تازه داشتم گرم می‌شدم، می‌آمد سراغم و میگفت بسه! و همون جا منو بلند میکرد. بدون اینکه اجازه بدهد من **Logg Out** کنم. این موضوع شدیداً برای من به قول بعضی‌ها آنتی‌حال بود و اعصابم را به هم می‌ریخت.

حالا می‌پرسم برادر یا خواهر بزرگ‌تر شما چگونه‌اند؟ اگر خواهر کوچک دارید که من به شما تسلیت می‌گویم چون او می‌شود مشاور مادرتان و اونوقت..... (خودتان بهتر می‌دانید).

اگر برادر کوچک دارید، که من تبریک می‌گویم چون اگر سعی کنید که او را با خودتان دوست کنید خیلی راحت می‌شوید و یا بالعکس اگر بزرگتر است که امیدوارم اخلاق خوبی داشته باشد. چون اگر با شما جور باشد مطمئناً به شما خیلی حال می‌دهد. (بشرطی که پسر باشید.) و اگر هم دختر هستید که می‌دانید به علت یک سری تعصبات بیجا و اشتباه باید امیدوار باشید و صبر کنید تا درست شود.

ولی راه حل این مشکل چیست تا بتوانیم با خواهر یا برادر خود صمیمی باشیم؟

۱- اگر برادر یا خواهرتان از شما زورش بیشتر است بهتر است سعی کنید زور خود را بیشتر کنید و گرنه از وسیله‌ای قوی‌تر استفاده کنید، از فکرتان. چون عقل قدرت بیشتری دارد. مثلاً من که زورم به برادرم نمی‌رسد الان توانستم زور او را خنثی کنم.

۲- هیچ وقت پیش او کم نیاورید. مطمئن باشید اگر چند بار پیش او میدان را خالی نکنید دفعه بعد او کمی از شما حساب خواهد برد. البته بچه‌گانه میدان را خالی نکنید بلکه بسیار سنگین و با منطق رفتار کنید تا از شما حساب ببرد.

۳- اگر روزی با او تنها شدید بعضی از مشکلات خود را با او مطرح سازید تا

فکر کند که شما دارید به او اطمینان می‌کنید و این باعث میشود که کم‌کم باشما صمیمی شده و آنوقت کمتر مزاحمتان میشود.

چنانچه خواهر و یا برادرتان از شما کوچکتر است، که میتوانید کمی از جیب خودتان مایه بگذارید و چیزی که مورد علاقه اوست را برایش تهیه کنید و یادتان باشد که زیاد تو کارهای خواهر یا برادر کوچکتر خودتون هم دخالت نکنید و سعی کنین با آنها دوست بشین و کمکشان کنید. تمامی این موارد کارساز هستند بشرطی که در جای خودشان بکار روند. به نظر من اولین کاری که باید انجام دهید این است که خوب او را بشناسید و سپس با فکر و حساب شده عمل کنید. اگر در کارهایتان کمی سیاست داشته باشید می‌توانید خیلی راحت مشکلات را حل کنید و به خواسته‌های خود برسید.

من با استفاده از همین راه‌ها مشکل با برادر بزرگترم را حل کردم و دیگر مشکلی با او ندارم هرچند ناراحتم که هنوز نتوانسته‌ام دوست دختری برای خودم پیدا کنم. حالا امیدوارم که با من تماس بگیرین و شما هم از مشکلات خودتان بگوئید یا اگر پیشنهاد خاصی دارین که میخواهید که در این ستون مطرح بشود، برایم بنویسید.

آدرس تماس با من : نامه خود را به آدرس
سه‌کاف بنویسید و در قسمت سابسکریپت (موضوع) بنویسید: آرش
سه‌کاف هم نامه را مستقیم برای من می‌فرستد.

cekaf@cekaf.com

۵- حرف دل دختران

از : مریم

maryam_dashti2000@yahoo.com

وقتی سه‌کاف شماره ۳۰ را خواندم و فهمیدم که دیگه سکافی نخواهیم داشت، خیلی دلگیر شدم. البته قبل از اون، مسئول سایت یک اشاره و کنایه‌ای هم کرده بود اما چون نمی‌خواستم باور کنم، اونو جدی نگرفتم.

خب، چند هفته بعدش دوباره تماس گرفتن و گفتن، اگه سه‌کاف دوباره چاپ بشه، چی، باز هم هستی؟ اصلاً فکر نکرده گفتم بله. اما دو روز بعدش تماس گرفتم و گفتم احساس من اینه که این ستون خونه منه، آدم تو خونه‌اش هرچی

میخواد، میگه، و به پاچه هر کی بخواد می پیچه و.... حالا من خیلی دلم میخواد تو سکاف مطلب بنویسم، اما دلم هم میخواد که هرچی بخوام بنویسم و فقط و فقط درباره مسائل زنان و دختران نباشه، بلکه هرچی تو ذهنم بود با خواننده هام قسمت کنم.

میدونین چی، قبول کردن. خیلی خوشحال شدم.

خب، از همین حالا به شما خوانندگان ستون خودم میگم که من ممکنه درباره هر چیزی تو این ستون بنویسم، از سکس، از عشق، از سیاست، از خانواده، از شوهر، از آخوندها، از مخالفان رژیم، از سنت، از غم و دلگیری و هرچی دم دستم بیاد و روز نوشتن حالشو داشته باشم.

و امیدوارم شما هم بدتون نیاد. اگر هم باز کردین و دیدین که دارم چرند میگم، ول کنین و برین تویه ستون دیگه، یا برام نامه بدین که عاشق نامه خوندن هستم.

=====

بعد از چاپ آخرین شماره سکاف (شماره ۳۰) و اعلام توقف انتشار مجله، از میان چندین نامه ای که خوانندگان ستونم برام ارسال کرده بودند، نامه دوست عزیز (پسر) نظرم را جلب کرد و حالا که فرصتی دوباره بدست آورده ام، میخوامم به آن بپردازم. این دوست نوشته بودند:

" سن من کم است یعنی ۱۷ سال بیشتر ندارم و مدتی قبل هم با دختری دوست بودم ولی بنا به عللی به هم زدیم ولی بعد آن مدت با دخترها راحت نیستم و مسائل دیگر. بگذریم، ولی حرفی که میخوام بزنم اینه که در مدرسه همه دوستام مخالف این نظرند که موقع ازدواج مهم نیست که دختر پرده داشته باشد یا نه. من در این رابطه نظرم را نمی گویم چون بین دو راهی گیر کرده ام. من قبول دارم که که اگه با دختری که پرده اش پاره شده اهمیت ندهیم آن دختر شکسته می شود و در روحیه او تاثیر زیادی می گذارد ولی بعضی مواقع وقتی کسی با دختری که پرده نداشته باشد ازدواج می کند و پس از ازدواج دختر می بیند که شوهرش در سکس جالب عمل نمی کند و او را ارضا نمی کند به جای اینکه با شوهرش صحبت کرده و او را راهنمایی کند، بهانه میگیرد و چون سابقه سکس داشته او را (شوهر را) مقصر می شناسد و این باعث بوجود آمدن اختلاف بین آنها می شود. من این حرف رو قبول ندارم که اگه با کسی که پرده نداره ازدواج کنیم مردم پشت سر من حرف در می آورند و این مسائل را هم که شب

عروسی باید دستمال خونی را به همه نشان داد ، مخالفم و شدیداً با این مسائل مبارزه می کنم و خوشبختانه خانواده من اینطوری هم نیست. با اینحال آگه میتوانید مرا راهنمایی کنید."

دوست عزیز، خیلی ممنون از حرفهای صادقانه شما، حالا بزارین با هم حلاجی کنیم شاید نتیجه ای گرفتیم.
خیلی جالبه،

برای همه دوستای شما مهمه که دختر شب ازدواج باکره باشه. خوب آگه فرض کنیم که دوستان شما درست میگن، و فکرشون تو جامعه عملی بشه، این یعنی هیچ پسری امکان داشتن سکس قبل از ازدواج را نخواهد داشته، (چون دخترا همه میخوان باکره بمونن). بعدش حالا آگه دختری بگه گوربابای شب اول ازدواج، من میرم دوست پسر بگیرم، خوب ، این دختر داره حق شوهر آینده اش رو میخوره (چون داره تجربه سکس کسب میکنه که بعد از ازدواج میتونه با تجربه سکس با شوهرش مقایسه کنه و بقول شما بعد از ازدواج ببینه که شوهره خوب عمل نمی کنه و..... چون سابقه سکس داشته، شوهرش رو مقصر میدونه).

پس بر اینکه مبادا حق این شوهر آینده خورده بشه، باید جلو سکس این دختر (که میخواد قبل از ازدواج سکس داشته باشه) را بگیریم. چه جوری؟ امر به معروف و نهی از منکر، آگه نشد شلاق و آگه این هم نشد، سنگسار. راه دیگه ای هم مگه هست؟ اینجاست که دوستای شما بیخودی ول معطلن، پس بهتره برن تو بسیج ثبت نام کنن و برا جمهوری اسلامی که سکاف و سایتهای دیگه رو فیلتر میکنه، کف بززن. چون سکاف با این حساب داره جوونا رو گمراه میکنه.

اینا رو به این دلیل نوشتم که نشون بدم که فرهنگ ما اشکال دارد و حتی جوونای امروزی ما که ظاهراً مذهبی هم نیستن اما ریشه تفکرات اونها مذهبی و مردسالار است. و اینجاست که ریشه مردسالاری و همچنین مردسالار بودن مذهب هم بر ما عیان میشه. اینجاست که میگن کنار گذاشتن مذهب در ظاهر کار ساده ای است اما بیرون کردن مذهب از ذهن و مغز کار سختی است، راستی چرا دوستای شما، نمی گن که پسرا نباید قبل از ازدواج سکس داشته باشن؟ چون پسرا هم میتونن سکس با زنشون رو با سکس قبلی مقایسه کنن و زن خودشون رو مقصر بدونن.

حالا یکی ممکنه بگه که خوب، سکس قبل از ازدواج اشکالی نداره، ولی بهتره

که مثلاً پسره از عقب بکنه، یا فقط دوست بشن. ولی این برا اکثر دخترها مثل این می‌مونه که مثلاً به پسرا بگیم سکس خوبه ولی نباید به آلت تناسلی شما دست زده شود. آیا دوستاتون اینو قبول میکنن؟

دوست عزیز، من نمی‌گم که دختر و پسری که با هم دوست میشن، چه جور سکسی با هم داشته باشن یا نداشته باشن. من میگم این به خودشون مربوط میشه. چون مسئله احترام گذاشتن به حق فرد و انتخاب فردی است. و در کنار آن، دیگران باید خودخواهی خودشون رو کنار گذاشته و اینقدر تو زندگی مردم دخالت نکنن.

من به پسری که ممکنه مثلاً پنج سال بعد از این تاریخ باهاش آشنا بشم و ازدواج کنم (و حالا نمی‌دونم کی هست؟ چند سالش است، چه کاری میکنه، اسمش چیست؟ با کی سکس دارد یا ندارد و....) حق نمی‌دم که تو زندگی امروز من دخالت کنه و احساس خودم رو برا اون سرکوب نمی‌کنم.

پس اگه امروز بعد از نوشتن این مطلب و بیرون رفتن از خونه، فرصت آشنایی با پسری را پیدا کردم، اینو از دست نمی‌دم و به هیچ وجه اجازه نمی‌دم که سایه شوهر آینده قدم به قدم تو زندگی امروز، منو تعقیب کنه و برا من نقش کارآگاه و نیروی انتظامی خصوصی را بازی کنه. همینطور هم به آن شوهر پنج سال آینده‌ام حق میدم که امروز هرطور که دوست داره زندگی کنه.

اصلاً من به پسر یا نامزدی که وقتی با هم آشنا میشیم اجازه نمی‌دم تو زندگی گذشته‌ام (چه خوب و چه بد) کنکاش کنه و منو سرکوب یا ملامت کنه؟ (اگه خودم بخوام بهش بگم این یه چیز دیگه است).

می‌دونم حال یک عده میگن، این سنت ما ایرانی‌هاست و به هیچوجه ولش نمی‌کنیم. بله، اینو خوب میدونم ولی این سنتها مبارک سنت پرستا باشه، من یکی ایرانی‌ام اما سنتهایی که کهنه و عقبمانده و بی‌منطق اند را دور میریزم و ایقدر تعصب هم بخرج نمی‌دم چون میدونم که اگه اینکار رو نکنم، این خودم و کشورم هست که بازنده میشه. اصلاً اینهمه اصرار رو چیزای کهنه به صرف اینکه از گذشتگان ما به ارث رسیده یک چیز بیخودی است.

حالا یک مسئله دیگه اینکه

اصلاً وقتی دختر و پسری با هم دوست میشن، چون از همدیگه خوششان

می‌آید با هم دوست میشن (تنها قیافه ظاهری هم نیست.) از همون ابتدا تصمیم نمیگیرن که حتما باید سکس داشته باشن یا چه جور سکسی یا ??? بلکه خوب دوست میشن، کلی مسائل و نیازهای روحی، روانی فکری، عاطفی و همدیگه رو پاسخ میدن، حالا در کنار اینها اگر بخوان، سکس هم هست که یک بخش از مسئله و نیازشان حساب میشود. نگاه کردن به این مسئله زمانی راحت میشه که مثلاً من و شما بنشینیم و با هم چای بخوریم و درباره فلان کتاب با هم حرف بزنیم و خیلی عادی است اما اگه لبهامون تو هم رفت، اونوقت واویلا.

من اصلاً نمی‌دونم چرا مردها اینقدر به پرده بکارت بها میدن؟ آیا این جز خودخواهی اسم دیگه‌ای هم داره؟

همین شما دوستی که برام نامه دادی، آیا شما همین امروز احساس و نیاز به دوست شدن با یک دختر را نداری؟ خب، یک دختر هم همین احساس را دارد. چرا باید این حق را از جوانان دریغ کرد؟

یک نکته مهم اینه که سکس همیشه تنها دلیل اختلاف و طلاق در خانواده‌ها نیست و مسائل زیادی در امر طلاق و جدایی و اختلاف دخالت دارند.

در ایران تعداد زنان باکره در شب عروسی خیلی بیشتر از تعداد زنان باکره (در شب عروسی) در کشورهای اروپایی است، اما آمار طلاق در کشور ما خیلی بالاتر از آمار طلاق در بسیاری از کشورهاست، چرا؟

مشکلی که هست، احساس مالکیت زن توسط مرد است؟ مشکل ذهن مردان جامعه ماست. و جوانان امروزی باید سعی کنن که مثل گذشتگان سنتی فکر نکنن بلکه باید مدرن و امروزی باشن و قبول کنن که زن هم انسان مستقل و آزادی است. و در عمل هم به این فکر پایبند باشن.

بهمین دلیل ما ایرانیا بدون دور ریختن سنتهای غلط، کارمون درست نمی‌شه، حتی اگه جمهوری اسلامی بره. مذهب و سنتهای غلط مته یک تار تو زندگی ما تنیده شده و غیر از اون هم ما چیزی رو نمی‌بینیم. اینجاست که ما احتیاج به این داریم که مدرن بشیم، از سرتا پا. و گرنه همچنان جامعه بیمار با مردمانی افسرده خواهیم داشت و نخواهیم دانست که همچنان نمیدانیم.

۶- نوشتن داستانهای جنسی شهوت‌انگیز یا داستانهای اروتیکی

از ج. ش.

داستانهای سکسی و اروتیکی در ادبیات ما نه تنها کمیاب که اصلاً یک مسئله ناشناخته است و شاید به همین دلیل هم وقتی که ما با چنین داستانهایی مواجه میشویم، نمیدانیم چرا این داستان نوشته شده، چه برسد که بخواهیم کیفیت آن را هم بسنجیم. مدتی پیش، کادوئی از یک دوست بدستم رسید. کادو شامل دو کتاب بود یکی به اسم **Historical Erotica** که شامل تعداد زیادی داستانهای اروتیکی مردانه است و کتاب دیگر **Erotic Stories by women** که این هم شامل تعداد زیادی داستانهای اروتیکی زنانه بود. داستانهای کتاب اول همه توسط مردان و داستانهای کتاب دوم همه توسط زنان نوشته شده‌اند.

نکته‌ای که در کتاب زنان نظرم را جلب کرد، این بود که یک داستان اروتیکی توسط یک زن مصری در آن چاپ شده و تنظیم کننده کتاب نوشته که این اولین داستان اروتیکی زنانه از کشورهای مسلمان است که در سال ۱۹۷۱ نوشته شده بود. قضاوت درباره دو کتاب و داستانهای آن، مسئله این نوشته نیست، اما خواندن داستانهای سکسی و شهوت‌انگیز مرا بر آن داشت که مطلبی در اینباره بنویسم. در کشورهای آزاد، اشعار، داستانهای کوتاه، رمان، نقاشی و دیگر تولیدات فکری-هنری شهوت‌انگیز بعنوان بخشی از تولیدات ادبی آن کشور بحساب می‌آیند. این تولیدات اروتیکی منتقدان کارگشته‌ای هم دارند که آنها را نقد و بررسی میکنند و حتی روزنامه‌ها و مجلات خبری-سیاسی-اجتماعی غیر اروتیکی هم (بخصوص در ضمیمه‌های خود-عمدتاً روزهای تعطیلات هفته) کم و بیش به بازتاب آنها می‌پردازند.

آیا نبود این امکانات برای ما ایرانیان ناشی از شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم است یا کمبود تقاضا یا کلاً ناآشنا بودن ما با این بخش از تولیدات فکری-ادبی و هنری است؟ یا اینکه ذهن نویسندگان ما کمابیش آغشته به سنت‌هاست و هراسان از تابوها؟ هرکسی ممکن است یک پاسخی به این سئوالات بدهد، اما یک نکته را نباید فراموش کرد که رمان و داستان‌نویسی یک سابقه حدوداً صد ساله در تاریخ هزاران ساله ما دارد. پس عجیب نیست اگر صد سال بعدش هم به ادبیات اروتیکی برسیم.

خوشبختانه از یکی دو سال پیش به این طرف نشانه‌هایی از مطرح شدن این مسائل در بین ما ایرانیان دیده میشود و این باعث خوش بینی است. در مورد داستانهای چاپ شده در سه کاف، به نظر من دلیل تشابهات فراوان داستانها تا حدود زیادی

ناشی از ناآشنایی با فن و فوت نگارش داستانهای اروتیکی است. به همین دلیل سعی می‌کنم در این نوشته آموخته‌های خودم را با علاقمندان به نوشتن داستانهای اروتیکی درمیان نهم، از طرف دیگر این نوشته کوششی است برای باز کردن بحث‌ها و با این امید که دوستان بیشتری به این مسائل بپردازند.

در نوشتن داستانهای اروتیکی حداقل توجه به چند مسئله مهم است:
اول یکسری اصول عام نوشتن که همه بکار میگیرند فارغ از اینکه چه نوع داستانی را میخواهند بنویسند؛ اروتیکی یا سفر سندباد یا جای خالی سلوج :
- اینکه نویسنده باید چیزی برای گفتن داشته باشد؛ افکار و احساسات و تاثرات شخصی خودش از یک واقعه یا فانتزی یا فکر، یا نشان دادن و برجسته کردن امر یا واقعه‌ای یا....
- تسلط به زبان، چگونگی کاربرد و ترکیب کلمات و توانایی ارائه داستان در یک شکل و قالب زیبا،

- و مسئله آخر اینکه نویسنده باید بداند چه چیزی را میخواهد بنویسد. یک رمان تاریخی، یک داستان اروتیکی یا یک داستان پورنوگرافی؟
نوشتن هنر است و این شامل نوشتن داستانهای اروتیکی هم میشود. اما برای موفق شدن، شما باید چیزی برای نوشتن داشته باشید. اگر شما چیزی برای گفتن و تعریف کردن نداشته باشید که با آن بتوانید توجه خواننده را جلب کنید، تنها تسلط به تکنیک و زبان مشکل شما را حل نخواهد کرد.

نویسنده داستان اروتیکی بهتر است فرق و تشابه اروتیک و پورنو را بداند یا حداقل برداشت خود را داشته باشد.

خیلی از ماها فکر میکنیم که داستان اروتیکی یک واقعه‌ای است که بین دو نفر در عالم واقع اتفاق افتاده و یکی از طرفین حالا دارد واقعه را بصورت خبری و آنطور که اتفاق افتاده برای ما شرح میدهد. اما مسئله اینگونه نیست.

یک داستان یا رمان یا حتی شعر اروتیکی میتواند یک واقعه را بشکل " رئالیسم موجود " برای ما بازگو کند یا بشکل رئالیسم جادویی، داستان ممکن است فانتزی نویسنده باشد یا معجونی از عالم واقع و فانتزی یا سوررئالیستی یا....

در داستان اروتیکی، نویسنده به نشان دادن شاخکهای لذت‌بخش و لذت‌کش قهرمان خود میپردازد یا ممکن است داستان خود را به قصد هرچه فراخ‌تر کردن مرزهای جهان رؤیا و فانتزی خود و همینطور خواننده نگاشته باشد.

اما عموماً داستان اروتیکی با هدف برانگیختن شهوت جنسی خواننده نوشته میشود و همینطور مسئله آموزشی داستان را هم نباید فراموش کرد.

نویسنده داستان باید به خوانندگان اهمیت دهد و به هیچوجه توان و استعداد آنها را دست کم نگیرد. به همین دلیل نویسنده باید این را پیشاپیش برای خود روشن کند که چه چیزی میخواهد بنویسد و برای چه کسانی، آیا میخواهد یک داستان سکسی تخیلی بنویسد تا فانتزی خواننده را کش دهد، یا میخواهد یک واقعه‌ای که برای خودش اتفاق افتاده را بازگو کند و تفاوتها را بداند. مثلاً در فانتزی یک مرد میتواند چندین و چندبار پشت سر هم به انزال برسد و خسته نشود ولی در عالم واقع اینطور نیست.

در فانتزی کسی که آلت مردی را می‌مکد (حتی اگر طرف بار اولش هم باشد)، "کیر تا ته حلقومش" هم میرسد و براحتی آب منی را هم قورت میدهد و یا مزه میکند در حالی که در عالم واقع این مسئله به ندرت پیش می‌آید و حتی مزه اسپرم در دفعه اول "یک طوری" است.

همینطور "بلعیدن کیر تا حلقوم" کاملاً امکان پذیر است اما فقط از کارکشته‌ها برمی‌آید نه از کسی که اولین بارش است یا حتی بار سوم و چهارم. وگرنه یارو بالا می‌آورد و سفره عیش را به هم می‌ریزد.

در فانتزی مرد میتواند "کیرشو تا ته بچپونه تو دهن" طرف، اما در عالم واقع اینطور نیست و هر دو با هم هماهنگ میکنند و خیلی مسائل دیگر.

اما داستان بر اساس واقعیت باشد یا فانتزی، یک نکته را نباید فراموش کرد و آن برانگیختن هوس خواننده و تحریک او.

در داستانهای سکسی که در سه کاف نوشته شده‌اند، شیوه انجام عمل دخول اغلب به یک حالت است، سکس فقط تو اتاق خواب اتفاق می‌افتد، از مزه اسپرم یا مزه ترشحات زن خبری نیست؟ گاهی قهرمانان داستان کلمات محترمانه رد و بدل میکنند: (خواهش میکنم!!!!!!)

در داستانی خواندم که قهرمان داستان برای انزال خود میگوید: "من هم شدم" بروزن کودکی که میگوید "جیش دارم"؟؟؟؟؟؟!!!!!! (کسی تحریک شد؟) در بعضی داستانها، در عمل دخول از عقب از مواد لیز کننده خبری نیست و طرف هم اصلاً دردی حس نمی‌کند؟؟ (گویا یکی دروازه اصفهان است یا آلت طرف چوب کبریت)، یا طوری از لذت یک زن از سکس مقعدی صحبت میشود که گویا یک

صحنه سکس همجنسگرایی را تصویر میکند، درحالی که در سکس از عقب چون زن داری غده پروستات نیست، لذت فیزیکی عموماً کمتر از لذت روانی است، در یک سکس مقعدی دو مرد (همجنسگرایی) این مالش و تحریک پروستات است (حداقل در بخشی از مردان) که باعث لذت فیزیکی میشود (حالا به جنبه روانی مسئله کار نداریم)

کاندوم چی؟ بادمجان بم آفت نداره؟

در هنگام توضیح صحنه لیسیدن زن، گاهی قهرمان خیلی خسیس است و هیچ اطلاعاتی را به خواننده نمی‌دهد؛ شکل زبان که هی عوض میشود؟ تشریح حالت آلت زن، رنگ، فضای خیس و...

شاید بهترین کار برای یک نویسنده داستانهای اروتیکی (بخصوص برای کسی که میخواهد "رئالیستی" بنویسد، این باشد که اعمال انجام شده در داستان را قبلاً خود تجربه کرده باشد که بداند دارد از چی حرف میزند.

درست است که دست زدن به پستان احساس برانگیز است اما فشار نوک پستان (تا مرز درد و نه بیشتر - بشرطی که صحنه سادومازوخیستی نباشد)، احساس بیشتری را تحریک میکند، اصلاً خود پستان را با حالت‌های مختلف فشار و مالش دادن (از جمله با فشارهای کم و زیاد اما نه طوری که خون لخته ببندد و اثرش بماند).

مکیدن پوست زیر گلو، طوری که اثرش تا فردا هم بماند؟ خیلی از زنان و دختران فردای "واقعه" وقتی چنین "اثری" از معشوق را بر گردن خود می‌یابند احساس عمیقی از مهر و علاقه به طرف را تجربه میکنند اما در داستانهای زنان ما از این مسئله خبری نیست.

یا پوست زیر آلت مرد حساسیت بیشتری دارد تا پوست روی آن. تشریح صحنه، توصیف لذتی که هر دو میبرند، فضای اتاق یا محل هماغوشی در داستانهای اروتیکی مهم است، مثلاً وقتی مرد عقب جلو میکند، زن چه لذتی میبرد؟

همینطور اشاره به مدت زمان هر عمل خاص (البته نه بصورت کلیشه‌ای) هم بد نیست. چقدر تلمبه زنی برای ارگاسم و انزال لازم بود؟ حرفهای سکسی و حشری کننده رد و بدل شد یا نه؟ چه حرفهایی؟ عاشقانه، رکیک یا تحقیرآمیز؟

خود عمل سکس تنها هماغوشی دونفره نیست، داستانهای اروتیکی که به سکس گروهی میپردازند؟ سکس فتیشی (چرم پوشی، پابوسی؟ جوراب و لباس زیر طرف

را بوئیدن و حشری شدن، سکس دو زن و یک مرد و یا بالعکس، سکس ارباب/رعیتی (یا همان **Master / slave**)، (غل و زنجیر کردن همدیگر)، سکسی که دو نفر در آن نقشهای مختلفی را بازی میکنند (برای نمونه **Daddy**)، سکس مردی که به لاک ناخن زنان حساسیت فوق العاده دارد؟ داستان زنی که مایل است نظاره‌گر عملیات سکسی دو مرد با هم باشد، داستان سکس دو نفری که دوست دارند حین عمل کسانی نظاره‌گر آنها باشند، داستان لذت جنسی ناشی از نظاره کردن سکس دو یا چند نفر دیگر، داستان سکس دو زن لذیبین، یا دو مرد همجنس‌خواه، داستان سکسی مردی که از همبستر شدن شریک زندگی‌اش با مرد یا زن دیگری لذت می‌برد، داستان.....

پس در انتخاب نوع داستان و سکس، هم ذائقه و هم ابتکار را خود بکار گیرید. چند نکته که بد نیست بدانها اشاره شود:

یک مسئله مهم ضعف و یا کمبود لغات و اصطلاحات در زبان فارسی است. برای نمونه برای آلت مردانه در زبان انگلیسی از جمله این کلمات بکار برده میشوند: **Penis, Cock, Dick, Manhood, Prick, hardness, Length,** و خیلی اصطلاحات دیگر و برای آلت زن از جمله این کلمات: **Vagina, Wetness, Heat, Tightness, Pussy, Cunt, " Her"** یا برای خود عمل سکس از جمله:

Sex, Fucking, Roll in the hay, The horizontal tango, Hitting the sack, Shagging, (این اصطلاح آخر معنی خواب هم میدهد) یک راه حل این مشکل میتواند این باشد که هموطنانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست، سعی کنند از اصطلاحات زبان مادری خود استفاده کنند (همراه با توضیح حاشیه‌ای - در اوائل کار)

در مورد تشریح و تصویر شکل قرار گرفتن دو طرف حین عمل ابتکار خود را بکار گیرید برای نمونه:

نشستن روی زانو، حالت لغزشی، حالت ایستاده، اصطلاح دخول قاشقی و..... درباره چیزی بنویسید که با آن آشنایی دارید و گرنه خواننده تصنعی بودن داستان را درک خواهد کرد و داستان تصنعی هم توی ذوق میزند. نویسنده باید سعی کند که خودش باشد، از دیگران یاد بگیرد اما تقلید نکند طوری که کار حالت کلیشه‌ای داشته باشد. یک مسئله کلیشه‌ای و تقلیدی دیگر

که باید از آن پرهیز کرد این است که نه همه مردها آلت ۲۰ سانتی و کلفت دارند و نه همه زنها آلت تنگ دارند و نه همه از سکس از عقب لذت می‌برند. صراحت و رک‌گویی در داستانهای اروتیکی مهم است اما مهمتر از آن حفظ سطح صراحت (چه کم و چه زیاد) در سراسر داستان است و گرنه بالا و پایین رفتن سطح صراحت و رک‌گویی به کیفیت داستان لطمه میزند. به همین دلیل بهتر است قبل از شروع کار درباره سطح صراحت و رک‌گویی تصمیم بگیرید.

سعی کنید خواننده را در وارد داستان کرده و ذهن او را درگیر حوادث داستان کنید طوری که هر پنج حس او متوجه داستان شود. داستان باید دلکش و دلفریب باشد، خواننده را تحریک کنید نه تنها یک حس او را بلکه هر پنج حس او و حس ششم او را هم بیدار کنید.

حاشیه‌پردازی مناسب یادتان نرود، در داستان اروتیکی حاشیه‌پردازیها برای زیر سازی و "جوشاندن" آب است.

از اشتباهات فیزیکی -آناتومی شدیداً بپرهیزید، مثلاً از زن اسپرم خارج نمی‌شود، حالا اگر شما "چگونگی خروج آب منی از زن" را با آب و تاب به تصویر بکشید، خوب خواننده متوجه میشود که شما نمی‌دانید از چی دارید حرف می‌زنید. سعی کنید سرپوشیده حرف نزنید، مثلاً بجای کیر بنویسد "آلت تناسلی مرد" اما اگر بخواهید از یکسری اصطلاحات استفاده کنید، این اصل را در سراسر داستان بکار گیرید. مثلاً یک جا بنویسید "دروازه بهشت" و بعد بنویسید "واژن" قهرمان داستان را به کاری نکشانید که از عهده آن بر نمی‌آید. در سکس یک یک برده را نمی‌توان به زور ارباب کرد و یا آنچنان پیشنهادهایی از قول او مطرح کنید که روحش هم خیر نداشته باشد.

سریع ماشه را نکشید (جنگی شد!!) داستان باید جزر و مد داشته باشد، درست همانجایی که خواننده فکر میکند ... آره همین حالاست که ... نه، آروم چرخ بزنید یا مسیر را عوض کنید و دوباره هیجان او را بالا ببرید و به این ترتیب مثل حالت جوشاندن آب، یک مرتبه "خشاب را بکشید"، طوری که خواننده غافلگیر شود. بعضی‌ها معتقدند که گفتن جملاتی مانند "مرد اینکار را کرد، بعد زن اینکار را کرد" و... یا اینو گفت و اون اونو گفت، را نقص یک داستان اروتیکی می‌دانند

اما به نظر من اگر این شکل نوشتن با مهارت بکار گرفته شوند نه تنها خدشه‌ای به داستان نخواهند زد بلکه تاثیر خیلی خوبی هم خواهد داشت. همینطور عده‌ای بر این نظرند که داستان اروتیکی نباید در زمان حشری بودن خود نویسنده نوشته شود، اما نظر خود من این است که نوشتن داستان اروتیکی در حالت حشری بودن نه تنها ایرادی ندارد بلکه هیجان و داستان صادقانه‌تر خواهد بود، اما شکی نیست که نویسنده باید این داستان را در حالتی غیر حشری اصلاح و بازنویسی کند. زمان و حالت نوشتن را بهتر است خود نویسنده انتخاب کند.

طول داستان اروتیکی چقدر باید باشد؟ این دیگر به خود نویسنده بستگی دارد. به داستانهای چاپ شده در سه کاف کاری نداشته باشید. اگر بخواهید داستانی در چند فصل بنویسید، سعی کنید هر فصل آن، بشکلی، از بخشهای دیگر مستقل باشد طوری که بتوان آن را مجزا چاپ کرد. اما این مسائل باز به خود نویسنده مربوط میشود. داستان که تمام شد، آن را بخوانید، چنگی به دل خودتان میزند؟ چه رابطه‌ای با پیشداوریهای شخصی خودتان ایجاد می‌کند؟ موفق باشید.

۷- یک قدم به جلو

من همون استریت واکر هستم که از این به بعد با اسم کارون جاوید در خدمت شما خواهم بود و با هم در باره مسائل مختلف جنسی صحبت خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم کنار همدیگر مسائل مرتبط با روانشناسی، جنسیت، عشق، شهوت و.... رو بیشتر بشناسیم و عمیق‌تر بتونیم ازشون در زندگی استفاده کنیم. این شماره میخوام با هم بریم سراغ چیزهایی که بلدیم و در هر کدوم یک قدم پیشروی کنیم. این مطلب ترجمه‌های آزادی هستند از مجموعه‌های مختلف راهنمائیهای جنسی.

معاشقه قبل از دخول، یک قدم به جلو

به عقیده خیلی‌ها (از جمله دکتر راپل، مدیر اجرایی موسسه آمریکایی دبیران

جنسی) مردانی که نتوانند حداقل نیم ساعت رو به نوازش و معاشقه‌های قبل از دخول اختصاص دهند، در سکس عجول هستند و زندگی جنسی اونها کمتر لذت بخش است. درمان این افراد بسیار ساده است: تمرین.

سکس دهانی، یک قدم به جلو

روی پله یا مبل و صندلی قضیه رو امتحان کنید. کسی که قرار است دریافت کننده سکس باشد در پله‌های بالاتر یا روی صندلی بنشیند (استفاده از بالشت برای راحت بودن توصیه می‌شود) و کسی که قرار است عمل کننده باشد، در پله‌های پائینی یا روی زمین بنشیند. این امر باعث میشود گردن و سر قابلیت مانور بیشتری داشته باشند و در عین حال هردوی شما از زاویه‌ای جدید ناظر اعمال طرف مقابلتان خواهید بود.

صمیمیت بالاتر

برای رسیدن به بهترین ارگاسم‌های (اوج لذت جنسی) زندگی، به چیزی بیشتر از همکاری شریکتان احتیاج دارید، هردوی شما باید به هم حس اعتماد کامل داشته باشید. این نظر باربارا کیسلینگ، نویسنده کتاب "نیروی بالقوه شهوت خود را کشف کنید" است. یکی از شیوه‌های خوب برای بدست آوردن این احساس اعتماد این است که بنشینید، پشتتان را به دیواری تکیه دهید و سر معشوقتان را در روی سینه یا دامن بگیرید. در صدای نفسها و حرارت بدن یکدیگر عمیق شوید و حس اعتماد را افزایش دهید. از هم خجالت نکشید و جایتان را تعویض کنید. اینکار را می‌توانید با یا بدون لباس و قبل یا بعد از سکس و یا هرزمان دیگری انجام دهید.

بوسه‌های بهتر

لبها بسیار حساسند. دکتر دانیل استین نویسنده کتاب "سکس آتشین" معتقد است تنها جایی که رشته‌های عصبی بیشتر از لبها دارد، کلیتوریس است. متاسفانه در بسیاری از مواقع انواع مختلف بوسه (مانند مکیدن لبها، لمس آنها، گاز گرفتن آرام لبها، فشار با لبها و نفس کشیدن روی لبها) فدای بوسه فرانسوی و داخل کردن زبان در دهان طرف مقابل میشود.

سکس برای صبحانه، یک قدم به جلو

هیچ شکی در این نیست که آدم‌ها بعد از بیدار شدن از خواب کمتر دوست داشتنی هستند. به همین دلیل برای سکس صبحگاهی دکتر راشل سوئیفت (نویسنده کتاب "رضایت تضمین شده") پیشنهاد میکند از وضعیت ستاره دریایی استفاده کنید: خانم عزیز! به پشت بخوابید و از شریکتان بخواهید تا در سمت راست شما بر روی شانه چپش دراز بکشد. پای راست خود را بالا بگیرید و پای راست شریکتان را به زیر آن بکشید (یعنی پای راست شریک شما روی پای چپ شما و زیر پای راستتان قرار خواهد گرفت). اگر تا اینجا درست عمل کرده باشید، ران راست شریکتان باید وسط پاهای شما باشد. آلت جنسی وی را وارد آلت جنسی خودتان نکنید و بالا تنه‌اتان را در وضعیتی راحت تنظیم کنید. اگر بخواهید با نزدیک کردن بدن‌ها می‌توانید همدیگر را ببوسید. این وضعیت برای مواقعی که خسته هستید نیز بسیار مفید است، دکتر سوئیفت توضیح میدهد: "وضعیت ستاره دریایی عملاً بسیار راحت است و به راحتی نیز به آن عادت می‌کنید. هیچکدام از شما هم لازم نیست وزن دیگری را حمایت کند یا حتی وضعیت بدنی خاصی را به خود بگیرد." به همین دلیل می‌توانید به راحتی تغییرات اختصاصی خود از این وضعیت را ایجاد کنید.

یک اسباب بازی جدید برای سکس

بالشت! به همین سادگی. لو پاگت (نویسنده کتاب "چگونه عاشق فوق‌العاده‌ای باشیم") می‌گوید که "مردان عاشق این هستند که وقتی مشغول انجام سکس دهانی هستند، به شما نگاه کنند" پس همین امشب دو بالشت به دیوار تکیه بدهید تا مرد شریک جنسی شما به آن تکیه کند و بتواند با لذت به شما نگاه کند. یا وقتی که می‌خواهد سکس دهانی شما را پاسخ دهد، دو بالشت زیر قفسه سینه‌اش بگذارید تا هیچ فشاری به گردن و ستون مهره‌هایش وارد نشود.

ارگاسم، یک قدم به جلو

برای اینکه از قدرتمندترین و ارضا کننده ترین سکس لذت ببرید، توجه خود را به لذت خودتان متمرکز کنید. بر اساس یک تحقیق جدید بین پرت شدن حواس از سکس و کم شدن لذت در بین زنان رابطه بسیار محکمی وجود دارد. زنانی که بیشترین لذت را از سکس برده اند " حقیقتاً بر روی تحریک جنسی خود تمرکز کرده بودند." بر اساس این تحقیق بیشترین چیزی که فکر زنان را در حین سکس اشغال می کند این است که در حین سکس از دید شریکشان چگونه به نظر می آیند. برای درگیر این موضوع نشدن خانمها و آقایان باید سعی کنند فقط به لحظه ها فکر کنند. به اینکه هر تماس، هر فشار، هر نوازش، هر بوسه، هر حرف، و.... چه احساسی دارد. همین امشب تمام فکر و خیالها را کنار بگذارید و از سکس لذت ببرید.

و در نهایت: زمان بندی، یک قدم به جلو

بر اساس یک تحقیق جدید بر روی ۱۱۵ زن ۲۳ تا ۴۵ ساله، زنان در طول پنج روز بعد از قاعدگی می توانند بیشترین و لذت بخش ترین ارگاسم های خود را تجربه کنند. آنیتا کلایتون، استاد روانپزشک دانشگاه ویرجینیا می گوید: " این زمانی است که زنان بهترین احساس را دارند، فاصله بین بعد از اینکه خونریزی آنان قطع شده است و قبل از اینکه علائم قاعدگی بعدی ظاهر شوند." برای زنانی که با آنیتا ملاقات می کنند، به ایشان پیشنهاد می شود که برای سکس در روزهای پنجم تا دهم پس از اتمام قاعدگی برنامه ریزی خاصی داشته باشند.

=====

قابل توجه دوستانی که مایل به تماس با من هستند: میتوانید نامه خود را به آدرس

سه کاف نوشته و در قسمت سابجکت (موضوع) بنویسند: کارون

cekaf@cekaf.com

یادی از گذشته

سه کاف جوون سلام،

امروز هوای تهرود ابری است و این هوا آدم رو حسابی حشری میکنه. می‌خوام جریان اولین سکس‌ام رو برات بگم.

من مهری هستم. ده سال پیش بود و من ۱۸ سالم بود، به واسطه یک نفر که (حالا نمی‌گم چه نسبتی با من داشت و اسمش رو ستاره می‌گذارم) با اصغر آشناشدم.

جریان از این قرار بود که ستاره دوست پسری داشت به نام اکبر و این اکبر برادری داشت به اسم اصغر. این اصغر ۴-۵ سالی از من بزرگتر بود. مطمئن نیستم اما میدونم که ستاره و اکبر به انواع مختلف با هم سکس داشتند، ستاره دختر بلایی بود اون موقع و ۱۵ - ۱۰ سالی هم از من بزرگتر بود. خلاصه من و ستاره یک روز پنجشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر توی خیابون ولی عصر روبروی فروشگاه قدس با اکبر و اصغر قرار گذاشتیم. من اون موقع سال آخر دبیرستان بودم، خدا میدونه برای من اون روز چطوری ظهر شد. از مدرسه اومدم خونه و دوش گرفتم. یه حسی بهم میگفت وقتی یه دختر بدون اجازه، مامانش بره پیش یه پسر، یعنی جنده شده (الان از اون طرز فکر خنده می‌گیره)، فکر میکردم امروز حتماً بعد از ظهر که اون دوتا پسر رو ببینیم، جنده می‌شم و باید مته جنده‌ها رفتار کنم. رفتم توی حموم و سر و کله و تنم رو حسابی شستم، کس‌ام رو هم حسابی تمیز کردم، خلاصه به تصور خودم یک جنده شدم. اون موقع‌ها شرت لامبادا (Lambada) مد شده بود. مامان من هم یه دونه خریده بود و بعضی وقتها می‌دیدم که شسته و روی بند انداخته، خلاصه بعد از حموم شرت مامانم رو هم پوشیدم، یه رژ لب قرمز هم زده و بعدش یه دامن پشمی باضافه پولیور قرمز پوشیدم و حسابی جنده شده بودم. لحظه موعود رسید، من و ستاره، اکبر و اصغر رو دیدیم، اکبر یه پسر ۳۸-۳۷ ساله بود با سبیل‌های همچی باحال و هوس و سکس از چشاش می‌ریخت، اصغر پسری بود ۲۳ ساله، چاق و خیلی با نمک. خلاصه سوار ماشین شدیم، اولین گام رو بسوی جنده‌گی برداشته بودم، رسیدیم

به خونه اشون، رفتیم تو زیر زمین خونه که مفروش بود و یه بخاری گازی فضای اون رو گرم میکرد.

وقتی رسیدیم، ستاره و اکبر در حضور من یه لب دیش از هم گرفتن، و گفتن حالا تو و اصغر. و منتظر شدن. من خودم رو باخته بودم، روم نمی شد جلوی بقیه آدمها، جنده بشم. خلاصه لپ اصغر رو ماچ کردم و نشستیم. اکبر برامون ویسکی آورد، کمی با ترس و لرز چشیدم، دهنم سوخت ولی کم کم از طعمش خوشم اومد و هی خوردم، وقتی بلند شدم که با اصغر برقصم سرم گیج رفت، چه حال خوبی بود.

اکبر و ستاره مشغول شدن، من از دیدن این صحنه ها داشتم حالی به حالی می شدم، اما اصغر هی می رقصید. کار اون دوتا بالا گرفت و رفتن توی حموم. صدای ناله های ستاره توی صدای آب گم و پیدا می شد و من مست و حیرت زده وایساده بودم وسط اتاق. اصغر گفت مهری جان بیا من و تو هم به هم حال بدیم؛ وای داشتم می مردم. در اتاق رو بست، تشکی رو پهن کرد و با حالت خبردار گفت: " بفرماید! من آماده بخدمتم." باخجالت تمام پام رو گذاشتم توی تشک. اصغر اومد جلوی من وایساد و گفت اجازه میدی؟ الکل کار خودش رو کرده بود، هیچی نگفتم. اومد جلو و صورتم رو بوسید، من هم همین کار رو کردم. آهسته لبم رو توی دهنش گرفت و شروع به مکیدن کرد، من هم هرکاری که اون میکرد انجام میدادم. یواش پولیورم رو آورد بالا و درش آورد. دامن پشمی ام هم حسابی گرم بود و مزاحم. آهسته اون رو هم درآورد، من موندم و یه شرت لامبادا، یه سوتین صورتی، و یه کله داغ و ماجراجو. لخت وایساده بودم و به اصغر نگاه میکردم. من اون موقع جوون بودم و اعتراف میکنم تو اون حالت خیلی کردنی شده بودم. حمید شرتش رو درآورد. من چشمم گرد شده بود، از روی کنجکاوی نشستم و به دقت کیرش رو توی دستم گرفتم، اولش ترسیده بودم ولی بعدش نه، اول کیرش رو بو کردم، بعدش هم ماچش کردم و پاشدم وایسادم.

اصغر که دید من یه کیرنندیده حسابی هستم، سوتینم رو درآورد و با ممه هام

بازی کرد، حس خوبی به‌ام دست داده بود، هی با کیر داغش ور میرفتم، آه و ناله اصغر دراومده بود، انگار از روی بی‌اطلاعی و صرفاً کنجکاوی داشتم باعث میشدم آبش بی‌آد.

و همینطور هم شد. یهو اصغر جیغ زد و خودش رو چسبوند به من. ترسیده بودم، اولش فکر کردم اصغر از ترس به خودش شاشیده، بعدش فهمیدم که نه، اینجور که میشه یعنی یک مرد ارضا شده.

اصغر گفت بابا تو دیگه کی هستی، اول کاری پنچرمون کردی؟! هی ازش معذرت میخواستم، که باعث شدم اونجوری بشه، اصغر خنگ‌بازی منو که دید، گفت حالی بهت بدم که تا عمر داری یادت نره، و من برای اینکه کم نیارم گفتم باشه، مردی؟ بده.

اصغر بدون هیچ ملاحظه‌ای شرتم رو کشید بیرون و پاهام رو باز کرد و سرشو برد لای پام و شروع کرد به لیس زدن و خیس کردن کس‌ام. اولش غلغلکم اومد، بعدش پاهام رو بیشتر و بیشتر باز کردم. وقتی زبونش رو روی کس‌ام می‌مالید، جیغ‌های وحشتناکی می‌کشیدم. اونقدر اینکار رو انجام داد تا به ارگاسم رسیدم؛ همینطوری نیگاش می‌کردم و جیغ می‌زدم و کیرش رو می‌چلوندم و او هم ناله می‌کرد.

نشست روی سینه‌ام، کیرش متورم شده بود و داغ. کردش توی دهنم، عق زدم، ولی بعدش هی لیس‌اش می‌زدم، ناله‌های اصغر یه جوریه بودن. یهو پاشد و گفت: دختری؟ گفتم آره. گفت بچرخ. چرخیدم. کیرش رو گذاشت لای دوتا باسنم و هی خودش رو مالوند به من، دوباره گریه کیرش دراومد؛ لای کونم پر از آبش شده بود. گفتم اصغر، من حالا واقعاً جنده شده‌ام؟ گفت چی؟ گفتم من الان جنده شدم. گفت ببین! تو یا کارت خیلی درسته، یا اصلاً هیچی بارت نیس. چندمین باره که میری زیر دستگاه؟ گفتم یعنی چی؟ گفت یعنی چندمین باره که کیر می‌خوری؟ به‌ام بر خورد، پا شدم و گفتم او هو، احمق فکر کردی من جنده‌م؟ گفت خودت گفتی. گفتم من بگم ولی تو غلط میکنی که بگی.

خلاصه این دوستی من و اصغر دو سال طول کشید و در این دو سال من از ارتباط با او خیلی لذت بردم، ولی هنوز فکر می‌کنم از همون موقع من جنده شدم.

۸- سؤال و جواب

توجه: پاسخ به سئوالات شما در این صفحه به هیچوجه جایگزین ملاقات حضوری با یک پزشک نمی‌شود.

dr_amir_md@yahoo.com

سؤال ۱- آیا با لگد زدن به پشت یک دختر امکان پاره شدن پرده بکارت وجود دارد؟ افتادن از درخت چی؟

جواب: با لگد خوردن امکان پاره‌گی وجود ندارد. از درخت افتادن؟ امکانش خیلی کم خیلی کم است اما ناممکن نیست. بسته به شدت و فشار وارده دارد و همچنان نوع پرده دارد.

سؤال ۲- شما گفته‌اید که پاره شدن پرده بکارت گاهی بدون خونریزی است، پس طرف از کجا بفهمه که پرده پاره شده یا نه؟

جواب: بدون خونریزی نیست، گاهی خون کم می‌آید و گاهی زیاد. اما اگر پرده حلقوی باشد، چون پاره نمیشود پس خونریزی هم نداریم. تشخیص این حالت با پزشک است.

سؤال ۳- آیا داروئی برای زود رسیدن زنان به ارگاسم وجود دارد؟

جواب: خیر وجود ندارد. اما قطع کردن عمل تحریک زن (حتی چند ثانیه هم) در تاخیر ارگاسم مؤثر است.

سؤال ۴- آیا پستان مردان (و یا مثلاً نوک آنها) هم با هم متفاوت هستند یا اینکه پستان همهٔ مردها یک شکل هستند؟

جواب: بالاخره انسانها دارای تفاوت‌های آناتومیک (ساختاری) هستند و هیچکدام شبیه دیگری نیست.

سؤال ۵- خروج آب منی در خواب چند وقت به چند وقت طبیعی است؟

جواب: برای این حالت یک مدت طبیعی نمیتوان ذکر کرد. بستگی به تغذیه، ژنتیک، میزان هورمونها، سن، مشغولیت‌های ذهنی و... دارد.

سؤال ۶- من هنوز بیست سالم هم نشده، اما بعضی وقتها ۳-۴ شب پشت سر هم هر شب توی خواب آبم می‌آید بدون آنکه قبلش حشری باشم یا به سکس فکر کرده باشم. بگید چکار کنم که کمتر تو خواب آبم بیاید، چون الان مشغول درس خواندن هستم و نمی‌خواهم به درسم لطمه بخورد.

جواب: غذاهای گرم مثل شکلات و... کمتر مصرف کنید. حرارت زیاد در رختخواب هم گاهی تاثیر دارد.

سؤال ۷- لطفاً درباره قرص **Lolomiperamin** توضیح دهید.

جواب: اگر املا این دارو درست باشد، یکی از انواع داروهای اعصاب است.

سؤال ۸- من نمی‌دانم که پرده دارم یا نه؟ بعدش آیا دوختن پرده خیلی درد دارد؟ هزینه آن چقدر است و باید به کجا مراجعه کرد؟

جواب: اینکه شما پرده دارید یا نه را پزشک باید تشخیص دهد، اما ترمیم پرده بکارت مانند تمام اعمال جراحی کمی درد دارد. برای دوختن باید به پزشک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۹- مردی هستم که هنگام سکس از عقب احساس درد زیادی میکنم. لطفاً راه حلی بدهید.

جواب: سؤال شما کمی مبهم است. آیا شما هنگامی که با یک زن از عقب سکس دارید، احساس درد و ناراحتی میکنید یا شما همجنسگرا هستید و هنگام نزدیکی جنسی با یک مرد (ورود آلت مردی دیگر در مقعد شما) احساس درد میکنید؟
بهر حال، استفاده از لوبریکانت که در داروخانه‌ها یافته میشوند، اصطکاک را کمتر و عمل سکس را راحت‌تر میکند. مسئله مهم دیگر بخش روانی قضیه است طوری که در حین سکس قادر شوید کاملاً ریلکس باشید. مقدمات آماده‌سازی طرفین قبل از انجام عمل دخول هم مهم‌اند، مهارت و احتیاط کاری کسی که فرو میکند

و توجه به حالات و احساس طرف مقابل هم اهمیت دارد. در مورد استفاده از لوبریکانت خوب است که ابتدا روی آلت مالیده شود، بعد کاندوم سوار کنید و بعد دوباره روی کاندوم هم لوبریکانت بزنید و قسمتهای ورودی مقعد را هم فراموش نکنید.

سؤال ۱۰- توی فیلمهای سکسی مردها رو تخم‌هاشون مو ندارن ولی من روی تخم مو دارم، آیا این طبیعی است؟

جواب: وجود مو کاملاً طبیعی است. یادتان باشد که فیلمهای سوپر قبل از اینکه به مسائل آموزشی تکیه کنند، بیشتر با هدف تحریک جنسی و همچنین تجارتي ساخته میشوند.

سؤال ۱۱- دختر جوانی هستم که بعد از سکس با دوست پسرم آبستن شده‌ام. آیا سقط جنین آزاد است؟ من در تهران زندگی نمی‌کنم. کجا باید مراجعه کنم؟ آیا در تهران جایی هست که مراجعه کنم؟

جواب: سقط جنین در ایران غیر مجاز است. برای سقط جنین باید به یک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۱۲- راستش من همیشه با خودم سکس میکنم، یعنی چوچوله‌ام رو آنقدر مالش میدم تا یک جوری ارضا بشم ولی همیشه میترسم که مثلاً رنگ یا ظاهر آلت تناسلی‌ام عوض شود و بعدها دچار مشکل بشم. لطفاً منو راهنمایی کنین.

جواب: نگران نباشید، هیچ مشکلی از این کار تاکنون گزارش نشده است.

سؤال ۱۳- پسری هستم ۱۷ ساله، لطفاً به این سئوالات من جواب دهید: بعد از اینکه توی خواب آبم می‌ریزه، احساس سستی و خستگی می‌کنم. آیا این طبیعی است؟ چه کنم که زودتر سر حال بیایم؟

جواب: این مسئله کاملاً طبیعی است و بهترین کار استراحت کردن است.

سؤال ۱۴- با توجه به اخبار ضد و نقیض در مورد ایدز آیا ممکن است کاندوم آلوده به ایدز هم وجود داشته باشد؟

جواب: خیر، امکان این قضیه وجود ندارد. بهتر است شایعات را از افراد غیر مسئول

قبول نکنید.

سؤال ۱۵- یک عده میگویند که امکان پاره شدن کاندوم حین سکس زیاد است، آیا این درست است؟
بعدش خوب، اینکه مزه نمی‌ده چون آدم هی حواس پرت میشه که نکنه کاندوم پاره بشه؟
جواب: امکان آن زیاد نیست و حتی بسیار هم کم است. شما با خیال راحت آمیزش کنید و در صورتی که کاندوم پاره شد از قرص روز بعد استفاده کنید.

سؤال ۱۶- دختری هستم ۱۸ ساله که تابحال سکس نداشته‌ام. دوستانم هم میگویند که هیکل سکسی دارم و خیلی وارد هستم اما همه‌اش از ایدز و اینجور چیزها میترسم. خانواده روشنفکری هم دارم، میشه به من بگید که جوری بر ترس خودم غلبه کنم؟
جواب: در مورد ایدز شایعات زیادی وجود دارد. شما برای آسایش خیال بهتر است با کاندوم سکس داشته باشید.

سؤال ۱۷- دوست دختر من سر سینه‌هاش گرد و قهوه‌ای رنگ است و من از این حالت خیلی بدم می‌آید و چون دوست دخترم را دوست دارم، لطفاً به من بگید چکار کنم که گردی قهوه‌ای سر سینه‌اش کمتر شود؟

جواب: این حالت کاملاً طبیعی است (البته در زمان بارداری این حالت شدیدتر و رنگ آن پررنگ‌تر میشود). برای این مسئله راهی وجود ندارد.

سؤال ۱۸- آیا میتونین به من بگین که یه زن چجوری میتونه با خودش بازی کنه؟ من ۱۸ سالم است و هر جوری امتحان کردم نشد، حتی فیلم سوپر هم که میبینم، باز کس‌ام خیس نمیشه؟ در صورتی که بعضی‌ها مثه اینکه با دیدن یک عکس هم خیس میشن.

جواب: در آرامش، نوازش پستانها بخصوص نوک آنها و پوست دیگر نقاط بدن، ماساژ ملایم کلیتوریس، بکار گرفتن قوه خیال و فکر کردن به چیزهای تهییج و تحریک کننده و... یادت باشد که هر کسی به مرور و تجربه یاد میگیرد که چه چیزهایی به تحریک بیشتر شخص منجر میشود. اینکه افرادی با دیدن فیلم و یا عکس خیس میشوند و در تعدادی بی‌تاثیر است، خوب افراد متفاوت هستند. بهتر است برای آشنائی بیشتر از مقالات سه‌کاف استفاده کنید.

سؤال ۱۹- آیا این درسته که ارگاسم در زمان بارداری به جنین ضرر میرساند و باعث زایمان زودرس میشود؟

جواب: نه، این گفته‌ها درست نیستند. ارگاسم در زمان بارداری ممکن است باعث یکسری انقباض‌هایی بشود که در هفته‌های آخر بارداری معمول هستند و در لغت خارجی آنها را **Braxton Hicks** می‌نامند. اما این انقباض‌ها مدت خیلی کوتاهی طول میکشند و خودبخود رفع میشوند. اگر شما قبل از این زایمان زودرس داشته‌اید، بهتر است کمی احتیاط کنید و حتماً با پزشک خود در اینباره مشورت نمائید.

سؤال ۲۰- قرار است امسال با دوست پسر من ازدواج کنم. ما با سکس داریم و تازگیها متوجه شده‌ام که دوست پسر من یک تخم دارد. حالا از این نگرانم که مبادا بعد از ازدواج بچه‌دار نشویم. نظر شما چیست؟

جواب: هر تخم مرد میلیونها اسپرم تولید میکند و برای عمل لقاح و بچه‌دار شدن تنها یک اسپرم کافی است، پس جای نگرانی نیست. (هر چند هرچه تعداد اسپرمها بیشتر باشد شانس اینکه یکی از آنها جلوتر رفته و با تخمک عجین شود، بیشتر است). علت یک تخمی بودن دوست شما احتمالاً این است که تخم دیگر بعد از تولد، در بدن ایشان باقی مانده و اگر اینطور است بهتر است که دوستتان هرچه زودتر با یک اورولوژیست مشورت نمایند چون باقی مانده یک تخم در بدن امکان ابتلا به سرطان تخم را افزایش میدهد.

سؤال ۲۱- من یک پسر ۱۸ ساله هستم و در یک خانواده مذهبی بزرگ شدم. چیزی که می‌خواستم به شما بگویم این است که اعتماد به نفسم خیلی ضعیف است و این را تقصیر پدر و مادرم میدانم. مثلاً وقتی کسی می‌خنده فکر می‌کنم به من می‌خندد یا وقتی دو نفر با هم یواش حرف می‌زنند فکر می‌کنم دارند درباره من حرف می‌زنند. حالا از شما خواهش می‌کنم به من کمک کنید و بگوید من چکار کنم؟

جواب: متأسفانه امکان پرداختن به مشکلات روانی را نداریم. به همین جهت

توصیه میکنیم که با یک روانشناس یا روانپزشک تماس بگیرید.

۹- میشل فوکو که بود؟

میشل فوکو فیلسوف و همجنسگرای معروف فرانسوی بعد از انقلاب اسلامی به ایران آمد و با مسئولان دولتی و تنی چند از روشنفکران آن دوره ملاقات کرد اما همینکه متوجه شد در ایران همجنسگرایان را اعدام میکنند، از انقلاب اسلامی قطع امید کرد. حسین نوش آذر در سایت خود مطلب جالبی در معرفی فوکو چاپ کرده که علاقمندان میتوانند به آن مراجعه کنند. آدرس :

بخش اول مقاله: www.nushazar.de/archive/2002_10_23_index.htm

بخش دوم مقاله: www.nushazar.de/archive/2002_10_25_index.htm

در سایت نوش آذر همچنین داستانی اروتیکی-عشقی به نام کاترینا چاپ شده که آدرس آن هم این است: www.nushazar.de/katarina.htm

=====

داستان وداع هم یادتان نرود.

آدرس سایت نوش آذر:

www.nushazar.de

۱۰- افسون بانو

و آزمون

کفایت سنجی

بشتابید! بشتابید! موجوده! موجوده!

+++++

به دختران جوان دم بختِ گریزان از (خونه شوری، روفت و روب، شستشو، کار آشپزخانه، زخم زبان مادر شوهر، فضولیهای خواهر شوهر و جری) و در

یک کلمه < ازدواج >

آیا شما با آزمون کفایت سنجی / افسون بانو آشنا هستید؟؟؟

آیا هجوم خواستگاران، امانتان را بریده؟

آیا والدین شما از آوردن دلیلهای واهی همچون:

کچله، قناسه، درازه، نمیخوامش

خسته شدن؟

آیا هر حيله و مكرى را كه در چننه داشتيد بكار برديد؟

و آیا در انتخاب جوان شایسته خود دو دل هستید؟

پس شکی نیست که با آزمون کفایت سنجی / افسون بانو بیگانه اید!!

تا کی میخواهید اجازه دهید خاله فری، اقدس خانوم، مامان سوری، مهندس گرجیان،

دکتر شمس و..... برای زندگی شما تصمیم بگیرند؟؟؟

دیگر لازم نیست به کف بینهای معلوم الحالی چون خاله مرجان مراجعه کنید و یا با گرفتن

فال قهوه، ورق، نخود، رمالی و استرلاب خودتان را مضحکه و پولتان را روانه ناکجاآباد

کنید!!!

بله..... خودتان آستین بالا بزنید..... و از آزمون کفایت سنجی / افسون بانو که در کارنامه

خود مردودی نودونه و نه دهم درصد (۹۹.۹٪) خواستگاران سمج و فاقد کفایت را دارد،

استفاده کنید.

شما هم میتوانید

گاه گذاری با مطرح کردن سئوالاتی اینچنین غافلگیر کننده در مکانهایی همچون

(سر میز شام، روز بله برون و شیرینی خورون و یا حتی پای سفره عقد) زیرا آب

خواستگاران سمج و بی لیاقت خود را زده و پای او را از زندگی خود بروبید.

القصه.....

این شما و این هم آزمون کفایت سنجی

+++++

- ۱- اگر با دوست دختر خود به سینما بروید..... دوست دارید در ردیف جلو بنشینید یا ردیفهای عقب؟
- ۲- اگر یک شبکه، رقص باله و شبکه دیگر شیرجه بانوان داشته باشد، کدام را ترجیح میدهید؟
- ۳- اگر فردی بیمار دل در خیابان به دوست دختر شما اهانت کند، چه میکنید؟
- ۴- اگر وقتی که با دوست دختر خود به پارک میروید..... فردی زیباتر به شما چشمک بزند و گوشه لباش را بگزد چه میکنید؟
- ۵- اگر به خانه دوست دختر خود رفتید و او را تنها یافتید پیشنهاد چه کاری میکنید تا حوصله اتان سر نرود؟
- ۶- بین کنسرت یانی و شکیرا کدام را ترجیح میدهید؟
- ۷- آیا در کامپوتر خود فایل مخفی دارید؟ پسوند آن را ذکر میکنید؟ مثلا:
***.exe*.dat va.....**
- ۸- برای چکاپ دکتر مرد را ترجیح میدهید یا دکتر زن؟ (با ذکر دلیل شرح دهید)
- ۹- وقتی که کنار دریا میروید کدام یک از وسائل زیر را ترجیح میدهید؟ سایبان یا دوربین؟
- ۱۰- آیا تاکنون برای رفع موهای زائد خود تبدیری اندیشیده‌اید؟
- ۱۱- هنگامی که با دوست دختر خود به کافی شاپ میروید میل دارید کافی گلاسروو جداگانه میل کنید یا با یک لیوان با ۲ نی؟
- ۱۲- اگر در کوه، زبانم لال، پای دوست دخترتان پیچ بخورد شما ترجیح میدهید او را:
۱- کول کرده....

۲- دست او را دور گرن خود حلقه نمائید

؟؟

۱۳- آیا ترجیح می‌دهید در اتاق خواب خود تخت دونفره داشته باشید یا یک نفره؟
(با ذکر دلیل شرح دهید)

۱۴- برای تسکین خاطر، حمام را ترجیح می‌دهید یا پشت مونی‌تور را؟

۱۵- آیا بعد از اتمام کار خود در نت، هیستوری خود را کلین می‌کنید؟ (با ذکر دلیل شرح دهید)

۱۶- (**سؤال ویژه آزمون**): مصراع چهارم بیت دوم از شعر زیر را تکمیل کنید:

دندون دندونم کن ماسِ انار دونم کن

وشکون و شکونم کن.....؟؟؟؟؟؟//

نکته: برای دختر خانمهایی که تازه پا به عرصه عشق و عاشقی و شیطنت گذاشتن و

ممکنه فرق بین چلفتی و کار درست رو نتونن از هم تمیز بدن یه ۲-۳ از نمونه

جوابها رو که به خودم دادن رو براتون مینویسم تا ببینین دوست شما تو چه وادی ای

سیر میکنه!

جواب سؤال (۱)

آدم بوهل: اصولاً آدم عاقل تو سینما ردیف عقب رو انتخاب میکنه و این ربطی به اینکه

همکارش کیه نداره چون هدف از سینما رفتن فیلم دیدن است.

آدم تیز: مسلماً ردیف آخر چون نمی‌تونن از پشت سر نیگات کنن.

جواب سؤال (۳)

پخمه: به نیروهای انتظامی معرفی اش میکنم.

باغیرت: دندونشو میریزم تو شکمش

جواب سؤال ۱۳)

یبس: تخت دونفره، چون من زیاد غلت میزنم خطر افتادن از رو تخت کمتره.

اهل دل: تخت یه نفره چون خودت بهتر میدونی، بلا.

در آخر صریحاً متذکر میشوم اگه گل پسر جوابی همچون:

نمیدونم!!!

منظورت چیه؟؟

من و این حرفا؟؟؟

آیا این سؤال برازنده شماس؟؟

ازش صادر شد.....

قیدشو بزن. او باید بره خونه مادر جوونش وقتی به بلوغ جسمی-فکری رسید

بیاد واسه مذاکرات.

تهیه و تنظیم: افسون بانو